

The problematization of informality in Iran Structural violence in the production of an anti-life space for the underprivileged

Mozafar Sarrafi

Professor, Department of Urban and Regional Design and Planning, Faculty of Architecture and Urban Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran

Abstract

The current process of dominant development is characterized by an escalation of social cleavages and the perpetuation of widespread poverty, particularly in the Global South. This cleavage is reflected in the increasing prevalence of urban slums, which are home to over one billion people, and the polarization of wealth among the top one percent of the global population. Iran has likewise witnessed a significant increase in the number of slum dwellers, amounting to twenty-five million in 2023. This figure is nearly equivalent to the number of people living below the poverty line in Iran. A substantial portion of this slum population consists of informal settlers, whose numbers have risen from one and a half million in 1976 to fifteen million today. The scope of this article is confined to informal settlements and the way of life associated with informality. In addressing informality, conventional policies are categorized into six approaches: 1) Ignorance based on the belief in the gradual disappearance of informality due to national economic development; 2) Demolition in the name of law enforcement and crime prevention; 3) Partial provision of public housing; 4) Site and service schemes and self-help housing; 5) Selective formalization of informal settlements; and 6) Enabling marginalized communities by acknowledging the right to the city. While the sequence of these policies suggests a progressive approach toward achieving social justice, none adequately address the root causes of the informality problem. At the macro level, the fundamental issue in Iran arises from the imitation of neo-liberal development patterns, which have polarized urban spaces and marginalized the poor in the Global South. At the meso level, urban land speculation by the rentier state, aimed at capital accumulation, has resulted in the commodification of space and anti-life ramifications for the impoverished. At the micro level, the social construction of informality as an unlawful act and a crime-related issue ignores the existential logic of “to be or not to be” for impoverished citizens. This leads to structural violence by monopolizing urban space production with unaffordable urban standards for the poor. In this context, the cooptation of urban planners as agents of the power structure plays a crucial role in undermining their public interest mission. Overall, addressing the informality problem requires, on one hand, a transformation of the prevailing development pattern to prevent urban unsustainability, and on the other hand, the practice of good governance that respects the right to the city for the poor. Given that informal settlements typically exhibit a lower ecological footprint due to their reduced per capita consumption of energy, water, land, and materials, they may be more suitable for accommodating sustainable patterns while enhancing the quality of their living conditions. Regarding the urban planning profession, this article suggests that the antagonistic duality of formal versus informal spaces is a social construction by those in power and needs to be set aside by urban planners who aim to provide living spaces for the impoverished. This perspective recognizes informality not only as a way of life but also as a survival strategy for the poor, necessitating facilitation and mediation by planners to achieve decent living conditions.

Keywords: Informality, problematization, structural violence, production of space, urban planning, sustainability

فصلنامه علمی نامه معماری و شهرسازی، ۱۷(۴۶)، ۲۳-۴

DOI: 10.30480/AUP.2025.5597.2203

نوع مقاله: پژوهشی

مسئله‌مندی غیررسمی بودگی در ایران خشونت ساختاری در تولید فضای پادزیست تهیدستان*

مظفر صرافى

استاد گروه طراحی و برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

E-mail: sarrafi53@yahoo.ca

چکیده

روند به اصطلاح «توسعه جهانی» در زمانه هم‌روگر، همانا تشدید شکاف اجتماعی و ماندگاری فقرگسترده به‌ویژه در جهان جنوب است. این شکاف در افزایش سکونتگاه‌های فرودستان شهری با جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر و قطبی شدن ثروت نزد یک درصد ثروتمندان جهان بازتاب داشته است. در ایران نیز شاهد رشد چشمگیر باشندگان سکونتگاه‌های فرودست و چندین برابر شدن آن‌ها در پنجاه سال اخیر (حدود ۲۵ میلیون نفر در بافت‌های فرسوده و سکونتگاه‌های غیررسمی شهری) بوده‌ایم. رویارویی متداول با این مشکل ازسوی حکومت با فرادستی فرهنگی، برساخت اجتماعی منجر به سرکوب و حذف بوده است که با انگ ننگ، انگلی بودن و جرم‌خیزی آن، زمینه‌سازی غیرقانونی بودن اسکان غیررسمی را فراهم کرده است؛ این درواقع خشونتی ساختاری است که زیست‌فضای برآمده از اراده خودبنیاد تهیدستان را مغشوش می‌کند. برنامه‌ریزان شهری با دانشی برخاسته از قدرت، و در سودای جهانی نوواره، با قواعد و طرح‌های شهرسازی به برون‌شدگی نیازمندترین شهروندان از فضای رسمی توسعه شهر و خشونت ساختاری یاری می‌رسانند. ازاین‌رو، رهیافت مسئله‌مندی (پرابلماتیک)، بنیاد دانش کنونی را که خود تولید مسئله می‌کند به چالش می‌کشد و چاره‌جویی ریشه‌نگرانه (رادیکال) برای پرداختن به علت برانگیزاننده دیگر علت‌ها و معلول‌ها را برای برنامه‌ریزان سفارش می‌کند. در این نوشتار مسئله‌مندی غیررسمی‌بودگی فضائی در سطوح عام و خاص در ایران به بحث گذاشته می‌شود تا در پرتو این بینش، کنش دگرگونه‌ای برای رهائی هم‌میهن‌های تهیدستان به‌بار نشیند. جانمایی این بحث، کنارگذاشتن انگاره توسعه متداول در جهان شمال برای زدودن گسل‌های اجتماعی و باور به حق به‌شهر در جهان جنوب است و سپس، روی آوردن به انگاره توسعه‌ای به‌گونه‌ای دیگر که دربرگیرنده همگان و با تعادل اکولوژیک بر زمینه ایران برای پایداری باشد. برای تحقق این برآیند، فرایند حکمروائی شایسته‌کلیدی است که از نتایج آن، رفع انحصار تولید فضا توسط فرادستان و پذیرش تولید زیست‌فضای فرودستان به همراه توانمندسازی اجتماعات آن‌ها برای فرارویش به‌پایداری است.

کلیدواژه‌ها: غیررسمی‌بودگی، مسئله‌مندی، خشونت ساختاری، تولید فضا، برنامه‌ریزی شهری، پایداری

* این نوشتار پیش‌کش می‌شود به پژوهشگران پیشگام زندگی تهیدستان شهری ایران: مهدی کاظمی بیده‌ندی، آصف بیات و پرویز پیران.

«شهرها این قابلیت را دارند که برای همگان دستاوردی داشته باشند، فقط به این دلیل و هنگامی که توسط همگان خلق شوند.» جین جکوبز (مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا ۱۹۶۹)

ابتدا گفت: مسئله‌ای به نام غیررسمی بودگی

شهرنشینی ابرفرایندی جهانی است که تمامی کره زمین را درنوردیده و خاستگاه گذار جوامع بشر به دوران متفاوتی شده است. با توجه به جغرافیای توسعه، شکل، محتوا و پیامدهای شهرنشینی در «جهان جنوب» به‌گونه‌ای دیگر بوده است (Randolph & Strper, 2023). اینکه در بسیاری از این جوامع، شهرنشینی برآمده از سیری انداموار و درون‌زا نبوده است سبب‌ساز گونه‌ای متفاوت از «جهان شمال»^۲ است (کاستلو، ۱۳۸۳). یکی از تفاوت‌های اساسی شهرنشینی در جهان جنوب عبارت از پیشی گرفتن رشد بر توسعه (به سخن دیگر افزایش کمیت بدون تغییر متناسب در کیفیت) و درنتیجه، کنارماندن و حاشیه‌ای شدن بخش عظیمی از باشندگان شهر است که به دوگانگی اجتماعی اقتصادی^۳ و نیز قطبی شدن فضایی^۴ انجامیده است. از نمودهای این دوگانگی و قطبی شدن، شهرنشینی غیررسمی^۵ است (Banks et al., 2020). درحالی‌که تولید فضای شهری ناشی از عوامل گوناگون و درهم‌تنیده رسمی در رخسارهای اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بر بسترهای محیط زیست است، لیکن گونه دیگری از تولید فضای شهری در جهان بنا بر عوامل غیررسمی و با سهم و شتابی فزاینده در جریان است که بیشتر رشدی خودرو داشته و جمعیت عظیمی از تهیدستان در آن اسکان و گذران زندگی دارند. همچنین به موازات این تولید فضای غیررسمی، بخشی از جمعیت تهیدستان در نواحی قدیمی شهر که دچار افت کارکردی و کالبدی شده‌اند استقرار یافته‌اند. هرچند گونه اخیر، استقرار غیررسمی^۶ خوانده نمی‌شود لیکن مانند گونه دیگر، زیستگاه‌هایی بدون برخورداری از کمیت و کیفیت زندگی در کرامت شهروندی می‌باشند و تمامی آن‌ها زیر عنوان «سکونتگاه‌های فرودست»^۷ رده‌بندی می‌شوند.

بنا بر برآوردهای جهانی بیش از یک میلیارد نفر از حدود ۴ میلیارد جمعیت شهری دنیا (به‌طور عمده در جهان جنوب) باشندگان سکونتگاه‌های فرودست هستند که با پیش‌بینی تداوم فقر شهری، این جمعیت با رشدی سریع‌تر از باقی جمعیت به یک سوم جمعیت شهری جهان در دهه آتی خواهد رسید (Reckford & Aki-Sawyer, 2023; UN Habitat 2022a). در ارتباط با پایداری جامعه جهانی، اجلاس سازمان ملل متحد به توافقی بین‌المللی برای آرمان‌های توسعه پایدار^۸ در سال ۲۰۱۵ میلادی برای افق ۲۰۳۰ دست یافت که درمورد توسعه شهری، اهداف کلان شامل دربرگیرندگی همگان، ایمنی، تاب‌آوری و پایداری^۹ است (UN General Assembly, 2015). سکونتگاه‌های فرودست شهری هیچ‌یک از این ویژگی‌های توسعه پایدار را ندارند و بدون شک تهدیدی برای پایداری گیتی می‌باشند؛ از این رو بایسته است که مسئله این‌گونه سکونتگاه‌ها بازکاوی و چاره‌جویی شود.

این نوشتار نه به بررسی تمامی این سکونتگاه‌ها بلکه تنها به اسکان غیررسمی^{۱۰} به‌عنوان بخش عمده‌ای از آن‌ها می‌پردازد. این‌گونه اسکان به تولید زیست‌فضایی مرتبط است که واژه غیررسمی بودگی^{۱۱} به شیوه زندگی باشندگان آن‌ها و به سخن دیگر، به هستایش این جمعیت در برابر رسمی بودگی دیگر شهرنشینان گفته می‌شود (Dovey & King, 2011). همچنین گونه دیگری از غیررسمی بودگی ناشی از دورزدن‌های قانون و استفاده از قدرت نامشروع برای ثروتمندان شهر وجود دارد که نه از سر نیاز بلکه به سبب آز فضای غیررسمی سوداگرانه تولید می‌شود، (Roy, 2012; Yiftachel, 2009) لیکن این نوشتار به آن‌ها نمی‌پردازد. با خوانش بینش متداول در سیاست‌های شهری جهان جنوب، غیررسمی بودگی مسئله‌ای ناپایدارساز است

که باید چاره شود؛ مسئله این نوشتار بازکاوی انتقادی این خوانش است. از این رو، ابتدا مسئله‌مندسازی^{۱۲} به عنوان ضرورت به‌کارگیری این روش برای پژوهش ریشه‌نگرانه^{۱۳} منجر به گره‌گشایی مسئله غیررسمی بودگی در بافتار^{۱۴} ایران شرح داده می‌شود و آنگاه در سطح کلان، بن‌نگره^{۱۵} حاکم برای توسعه در جهان بررسی می‌شود؛ زیرا نیروی انگیزشی و تحقق بخش تولید فضای شهری نوین در جهان جنوب بوده است. سپس، چستی پدیده غیررسمی بودگی در شهرنشینی جهان و نیز در ایران شرح داده می‌شود. آنگاه سیاست‌های کنونی رویارویی با غیررسمی بودگی در جهان جنوب، دسته‌بندی و مورد نقد قرار می‌گیرد و در ادامه مسئله‌مندی^{۱۶} غیررسمی بودگی در دو سطح عام و خاص بیان می‌شود. در پایان، امکان فرارویش فضای غیررسمی بودگی به وضعیت پایداری شهری^{۱۷} مطرح می‌شود.

روش پژوهش مسئله‌مندسازی

هرچند اسکان غیررسمی در دهه‌های اخیر در گستره جهان مورد پژوهش‌های بی‌شمار قرار گرفته است؛ لیکن همچنان این پدیده، ماندگار و در حال گسترش است و پندهای برآمده از این پژوهش‌ها برای برنامه‌ریزی و مدیریت شهری و از آن مهم‌تر، برای به‌گشت زندگی تهیدستان راهگشا نبوده است (Rosaldo, 2021). باور این نوشتار اینست که پایه‌های معرفت‌شناسی و روش‌شناسی امر غیررسمی^{۱۸} به‌دلایلی که در سطوح عام/انتزاعی^{۱۹} و خاص/انضمامی^{۲۰} در ادامه تشریح خواهد شد، سبب‌ساز این بسترونی پژوهش‌هاست. خوانش و دانش به دست آمده از این مطالعات، دوگانه‌پنداری ناسازنمایی^{۲۱} را بر ذهنیت مدیران و جامعه چیره کرده است که این مسئله است (دانشپور و همکاران، ۱۴۰۱). به سخن دیگر، باور داریم بنیاد دانش کنونی، خود مسئله است (Anguelov, 2020). رهایی از چنبره این دانش با رهیافت مسئله‌مندسازی، بایستگی یافتن راه‌چاره‌هایی است که گره‌گشای رنج و مشقت به درازا کشیده شده تهیدستان می‌باشد.

مسئله‌مندسازی عبارت از رهیافتی در پژوهش است برای برون‌رفت از درک همگانی یک موضوع در راستای به‌دست آوردن بینش و در نتیجه کنش نوین. با مسئله‌مندسازی به ریشه‌نگری انتقادی برای افسانه‌زدایی از باورهای نادرست چیره‌شده پرداخته می‌شود (Bishop & Philips, 2013). در حقیقت از این گذار، بیش از آنکه به گفته سهراب سپهری «چشم‌ها را باید شست»، باید مغزها را نیز شست. زیرا نمی‌توان با همان بینشی که مسئله را به وجود آورده به حل مسئله پرداخت.

با مسئله‌مندسازی، افزون بر درک ریشه و روند تولید همیشگی مجموعه مشکلات، به خوانشی برای یافتن مهم‌ترین عوامل و سازوکارهای تولید مسئله می‌پردازیم و این پرسش‌های مهم را دنبال می‌کنیم (Alvesson & Sandberg, 2013): چه کسانی مسئله را بیان کردند؟ حل مسئله از دیدگاه چه کسانی است؟ چرا در این زمان و مکان مطرح شده است؟ از حل مسئله چه کسانی سود و چه کسانی زیان می‌برند؟ از آنجاکه دانش ما امری نسبی (برآمده از بافتار پیرامون و برساختی اجتماعی) است (بر، ۱۳۹۹)، این پرسش‌ها از ایجاد دانش نادرست^{۲۲} جلوگیری می‌کند.

در اینجا لازم است گریزی کوتاه به جستار دانش-قدرت بزنیم. فلاسفه هم‌روزگار گفته‌اند دانش فرد بنا بر جایگاه اجتماعی (و نه برعکس) می‌باشد که بنا بر منافع اجتماعی قدرتمندان و درون ایدئولوژی حاکم، پردازش می‌شود (ژلنیتس، ۱۳۹۶). هر قدرتی دانش خود را به وجود می‌آورد تا پیش از نیاز به اعمال مستقیم، قدرت غیرمستقیم در کنترل جامعه برقرار باشد (فوکو، ۱۳۹۹). بدون ورود به پیچیدگی‌های فلسفی، می‌توان درمورد موضوع این نوشتار نتیجه گرفت نبود بینش و کنش دلخواه مرتبط با غیررسمی بودگی، ناشی از دانش پردازش شده قدرت است (نجاتی و همکاران، ۱۴۰۰)؛ قدرتی که مردمی نیست و تهیدستان را دیگری می‌داند.

از این رو برنامه‌ریزان شهری برای تعهد اخلاقی که با عنوان «منفعت همگان»^{۳۳}، حرفه آن‌ها را مجاز به مداخله در فضای همگانی کرده است، به دگرگونی دانش کنونی و نواندیشی راهگشای جامعه خوب نیاز دارند (زندیه و صرافی، ۱۴۰۲). گزینشی رهیافت مسئله‌مندسازی برای بازکاوی غیررسمی بودگی به همین سبب است. زبان زدی در آفریقا می‌گوید: «تا روایت‌گری از سوی شیر نباشد، شکار شکوهمند است!» روایت‌گری برنامه‌ریزان شهری را از دانش برآمده از قدرت (برساخت اجتماعی^{۳۴} حاکم) باید رها کنید تا روایت تهیدستان بی‌صدا، مبنای دانش رهایی بخش از فقر و تنگدستی شود (اسپیواک، ۱۳۹۷). بازهم به گفته سپهری، «چترها را باید بست... با همه مردم شهر زیر باران باید رفت».

بن‌نگره توسعه در سپهر جهانی

پس از پایان جنگ جهانی دوم در ۱۹۴۵ میلادی، واژه توسعه برای جهان جنوب کلیدواژه برای برون‌رفت از وضعیتی شد که نه تنها پاسخگوی نیازهای اجتماعی-اقتصادی جوامع نبود بلکه در فاصله‌ای با عنوان عقب‌ماندگی از جوامع جهان شمال قرار داشت. با قدری ساده‌گرایی می‌توان تمامی برنامه‌های کلان توسعه در جهان جنوب، چه تحت تأثیر انگاره غربی سرمایه‌داری و یا انگاره شرقی سوسیالیستی، در بن‌نگره نوگرایی^{۳۵} و اقدامات نوسازی^{۳۶} برمبنای آن خلاصه کرد (صرافی، ۱۳۹۲). در این میان، کمک‌های همه‌جانبه خارجی برای دریافت پدیده‌های نوین و کنارگذاشتن سنت‌های دیرین جوامع نقش اساسی داشت (Leys, 1996). توسعه شهری از مهم‌ترین بازتاب‌های فضایی بن‌نگره نوگرایی / نوسازی بود که به نوبه خود، حکومتداری و شیوه زندگی جوامع را دستخوش تغییرات شالوده‌شکن کرد. در بیشتر موارد این روند پیش از آنکه جوامع مراحل تکاملی نظام‌های اجتماعی-اقتصادی خود را به پیمایند و پایه‌های تولیدی و فرهنگی متناسب این شهرنشینی را واقعیت بخشند (مانند صنعتی شدن یا برقراری حقوق شهروندی)، برآمده از توسعه‌ای برون‌زا^{۳۷} با نفی سنت‌های پیشین در هم‌سجی با جوامع پیشرفته هم‌روزگار بود که می‌توان آن را شبه‌شهرنشینی^{۳۸} نامید (کاستلو، ۱۳۸۳). این توسعه شهری به دوگانگی و قطبی شدن^{۳۹} فضای جوامع (ازجمله بین بخش‌های مدرن و سنتی اقتصاد و اجتماع، بین فضای نوواره و سنتی، بین اقشار دارا و ندار) دامن زد (Escobar, 2011). هنوز این‌گونه شهرنشینی به بلوغ و پیوند انداموار^{۴۰} در جهان جنوب نرسیده بود که برآمده از تحولات نظام سرمایه‌داری جهانی با تکیه به فناوری‌های ارتباطی-اطلاعاتی^{۴۱} و پایان جنگ سرد، موج فراگیری در چند دهه اخیر، جوامع جهان جنوب را دربرگرفت. این موج با عنوان «جهانی شدن»^{۴۲} در ابعاد اقتصادی، سیاسی و فرهنگی و با تکیه بر مکتب نئولیبرالیسم، بیش از هر فضایی در کانون‌های شهری نمود پیدا کرد (Baffoe, 2023; Peck et al., 2009). واقعیت اینست سرمایه جهانی طی دهه‌های پی‌درپی دچار بحران انباشت بوده است و برای برون‌رفت از این بحران ازسویی در پی یافتن عوامل ارزان برای تولید، مرزهای اقتصادی با جهان جنوب را کم‌رنگ کرده و ازسوی دیگر، چرخه انباشت سرمایه به بازارهای مستغلات شهری کشانده شده است (هاروی، ۱۳۸۷؛ رهنما، ۱۴۰۱). سرمایه جهانی با اقتصادی بدون مرز و بدون وزن^{۴۳}، زهکشی شبکه‌وار سرمایه از شهرهای جهان جنوب به جهان شمال را با سودای فریبنده توسعه ناشی از جهانی شدن، سازمان داده است (Smith, 2016).

شیفتگی به انگشت‌شماری تجربه موفق در شرایط ویژه ژئوپلیتیک کشورها یا در ابعاد کوچک دولت-شهری (مانند کره جنوبی، تایوان، سنگاپور و هنگ‌کنگ که قابلیت تکرار آن‌ها مناقشه‌انگیز است)، بسیاری از سیاستمداران جهان جنوب را به سودای جهانی شدن برای توسعه یافتگی کشاند و برنامه‌های کلان توسعه را با جهت‌گیری پیوستن به فرایند جهانی شدن و آماده‌سازی‌های گوناگون برای قرارگرفتن در شبکه شهرهای

جهانی^{۳۴} موجب شد (Taylor & Derudder, 2003). باور بر این بوده است که توسعه شهری پیشتر از این پیوند و دریافت امتیازات سرمایه جهانی برای توسعه ملی است. در این راستا، مدیریت های شهری، نخستینگی اقداماتشان را برای رقابت پذیری و رُبایش سرمایه گذاری جهانی دانسته و تعهدات اجتماعی و پشتیبانی های محلی را حذف و یا به پس از رشد اقتصادی موکول کرده اند (Sheppard et al., 2020; Rosi & Vanolo, 2015). با این شرح، این بار نیز دوگانگی و قطبی شدن با شدت بیشتر در فضای شهری جهان جنوب (بین بخش های بین المللی و محلی، بین اقتصاد نوین و اقتصاد سنتی، بین برندگان اندک فرصت های تجدید ساختار اقتصادی با بازندگان بسیار تهدیدهای بی ثبات کاری^{۳۵} و حاشیه ای شدن) (استندینگ، ۱۴۰۲) تداوم و گسترش یافت. پژوهش های بسیار این کاهش عدالت اجتماعی و قطبی شدن فضای شهری بر اثر جهانی شدن نفولیبرالیستی را نشان داده اند (UN Department of Economic & Social Affairs, 2020; Kempen, 2007; Lang et al., 2015; Marcuse, 1993; Moulaert et al., 2005; Hamnett, 1994; UN Habitat, 2010, 2011; Shatkin, 2007; Brenner & Theodore, 2005). هنگامی که در جهان شمال با ساختارهای مردم سالار، جامعه مدنی کنشگر و بلوغ نظام اقتصادی آن شاهد افزایش شکاف درآمدی و توزیع ناعادلانه ثروت، همانا روند قطبی شدن هستیم (OXFAM, 2015) نمی توان انتظار داشت که وضعیت بهتری را در جهان جنوب شاهد باشیم! از این رو، روح زمانه^{۳۶} در توسعه جهان شمال که برانگیزاننده توسعه شهری جهان جنوب است (Friedmann, 2003). به تولید فضایی قطبی شده و کنارماندگی جمعیت بزرگ فرودستان انجامیده است؛ داستان دو شهر.

پدیده غیررسمی بودگی در جهان

غیررسمی بودگی، ویژگی فراگیری است برای انواعی فعالیت اقتصادی، اسکان و مدیریت/ برنامه ریزی زمین در شهرها و پیرامون آن ها که با عنوان هایی مانند اقتصاد یا بخش غیررسمی^{۳۷}، سکونتگاه غیررسمی، محلات نامنظم/ برنامه ریزی نشده و خودرو^{۳۸} نامیده شده اند (Roy & Alsayyad, 2004). در واقع هر فعالیت و یا شکلی از سکونت که خارج از نظام رسمی باشد و از پشتیبانی قانون های دولتی برخوردار نباشد، غیررسمی بودگی به شمار می آید (Cities Alliance, 2021).

جمعیت سکونتگاه های غیررسمی در جهان به تنهایی اعلام نشده است لیکن در زیر مجموعه سکونتگاه های فرودست شهری با مجموعه جمعیتی بیش از یک میلیارد نفر تهدیدست مواجه هستیم (یک چهارم جمعیت شهری دنیا) که هرچند در دو دهه اخیر قدر نسبی آن کاهش داشته (به طور عمده به دلیل کاهش در کشور چین) اما قدر مطلق آن فزونی یافته است (UN Habitat, 2022b). ماندگاری فقرگسترده به ویژه در جهان جنوب عامل این افزایش و بدتر از آن سبب ساز تشدید شکاف اجتماعی شده است (UN Department of Economic & Social Affairs, 2021). ابعاد عظیم این جمعیت همان طور که گفته شد در شهرنشینی غیررسمی مشاهده می شود که نرخ رشد آن بیش از دو برابر نرخ رشد سالیانه ۲ درصد شهرنشینی رسمی است.

غیررسمی بودگی در اسکان، تولید زیست فضای تهیدستانی است که از فضای توسعه رسمی به حاشیه رانده شده اند و یا از ابتدا جایی در فضای رسمی نداشته اند؛ فضای رسمی توسعه شهری در توان مالی و سازگار با شیوه گذران زندگی آن ها نیست (Roy, 2005; AlSayad, 2004). تهیدستان نیازمند فرصت برای ارتقای تدریجی وضعیت زیست و فعالیتشان هستند؛ نه اینکه از ابتدا بتوانند در جایگاه هم سنج طرح های رسمی و با استانداردهای شهری مستقر شوند (بیات، ۱۳۹۰). بدین سبب، دلیل وجودی^{۳۹} فضای غیررسمی، گونه ای سرکشی مسالمت آمیز در برابر قانون رسمی قدرتمندان برای بودن (با کنایه به پرسش شکسپیری «بودن یا نبودن، مسئله اینست»)، نه به دلخواه بلکه بنا بر ضرورت بقا باید فهمیده شود.

غیررسمی بودگی در اقتصاد نیز کمابیش با همین خوانش قابل فهم است. بخش غیررسمی بدون چشمداشت پشتیبانی رسمی و در نبود فرصت‌های دربرگیرنده نیروی کار تهیدستان، فعالیت‌های صنعتی و خدماتی (به‌ویژه با پیمانکاری خرد^{۴۰} یا عرضه مستقیم) دست‌زده (Goel & Rahman, 2020) و افزون بر مشارکت چشمگیر در تولید اقتصادی، در بیشتر موارد به بخش رسمی یارانه می‌دهد. برآورد شده که سهم بخش غیررسمی ۳۵ درصد تولید ناخالص داخلی جهان جنوب (International Labour Organization, 2018) و ۶۰ درصد اشتغال با بیش از دو میلیارد نفر در جهان می‌باشد (World Economic Forum, 2024).

هنگامی که بیشترین سهم نیازهای تهیدستان شهری در جهان جنوب با اقتصاد و اسکان غیررسمی برآورده می‌شود و نیز با خودیاری جمعی به محرومیت خدماتی سکونتگاه‌ها پاسخ می‌دهند، باید درک از قانونی بودن و رسمیت را بازنگری کرد؛ قانون و رسمیتی که انبوه نیازمندترین اقشار جامعه را کنار می‌گذارد، خود باید کنار گذاشته شود: غیررسمیت، رسمی است. مسئله اینست!

بازکاوی غیررسمی‌بودگی در ایران

غیررسمی‌بودگی در ایران نیز همچون موارد مشابه در جهان جنوب، گویای ناکارآمدی و چشم‌پوشی سیاست‌های رسمی برای فراهم کردن شرایط زیست و فعالیت تهیدستان است و باشندگان اسکان غیررسمی در شهرهای کشور با رشدی شتابان از حدود ۱.۵ میلیون در سال ۱۳۵۵ به حدود ۱۵ میلیون نفر در سال ۱۴۰۲ رسیده است که با افزودن باشندگان در دیگر سکونتگاه‌های فرودست، ۲۵ میلیون نفر (بیش از یک سوم جمعیت شهری) را در بر می‌گیرد. این عدد کمابیش برابر جمعیت زیرخط فقر ایران (۳۰ درصد اعلام شده از کل جمعیت ۸۵ میلیون نفر) است (میدری، ۱۴۰۳). از آنجاکه بخش زیادی از این جمعیت فقیر، روستایی هستند به نظر می‌رسد فقر مسکن شهری (در سیمای جمعیت سکونتگاه‌های فرودست) سخت‌تر و بیش از فقر مطلق جمعیت شهری است (صرافی، ۱۳۸۷). این درحالی است که نرخ بیکاری بین فقرا کمتر از میانگین بوده و بنا بر آمار رسمی ۸۵ درصد آن‌ها شاغل هستند ولی درآمدشان بسنده هزینه مسکن نیست.

باشندگان اسکان غیررسمی مجموعه‌ای از مهاجران روستایی (انتقال جغرافیایی فقر روستایی به حاشیه شهری) و با نسبت کمتر، شهرنشینان رانده شده از مرکز به حاشیه (به سبب فقیر شدن) می‌باشند. مهاجرت به این نواحی را می‌توان «رای دادن با پا» و به‌سوی گرفتن «حق به شهر»^{۴۱} تعبیر نمود (هاروی، ۱۳۹۳). نمایانگرهایی مانند سواد، سلامت، امید به زندگی، درآمد، خدمات شهری و دوام ساختمان پایین‌تر از میانگین شهری و نمایانگرهای مانند جوانی جمعیت، شیوع بیماری، بزهکاری، تراکم جمعیتی و بی‌ثبات کاری بالاتر از میانگین شهری است. ترکیب جمعیتی سکونتگاه‌های غیررسمی نمایانگر نیروی کار جوان و کم‌مهارت بانگیزه‌ایست که انبارگاهی با قابلیت تولید اقتصادی بالا و ارزان برای شهر می‌باشد (جواهری پور، ۱۳۹۴). چنانچه نبود فرصت‌های برابر اجتماعی-اقتصادی را از مهم‌ترین دلایل فقر بدانیم (Hadipreyitno, 2013; Yang, 2017) فضای غیررسمی‌بودگی اینچنین است و در بسیاری موارد چرخه تداوم فقر^{۴۲} را موجب می‌شود. البته درسوی دیگر، بودن در حاشیه فرصت‌های شهری، بخت برون رفت از فقر را (در صورت رواداری قدرت) برای بسیاری دیگر فراهم می‌کند (ایراندوست و صرافی، ۱۳۸۶).

غیررسمی‌بودگی اقتصادی در ایران نیز سهم قابل توجه و روبه‌افزایشی دارد. بنا بر مرکز آمار ایران، ۶۰ درصد اشتغال کشور (با سهم کمی بیشتر بین زنان و در جامعه روستایی) در بخش غیررسمی است (رنانی، ۱۳۸۴؛ World Bank, 2022). توجه به اینکه سرمایه‌گذاری برای ایجاد هر شغل غیررسمی نسبت به بخش‌های رسمی خصوصی و دولتی بین یک بیستم تا یک چهارم است. در نتیجه بدون شک راه‌حلی واقع‌بینانه برای تأمین

بخشی از نیاز سالانه حدود یک میلیون شغل جدید کشور، اتکا به تولید شغل در بخش غیررسمی است. این استدلال به گونه دیگر برای بخش مسکن نیز وجود دارد که تأمین کمبود کنونی ۶ میلیون واحد مسکونی کشور بدون توجه به مساکن غیررسمی موجود ناممکن است (فاطمی عقدا، ۱۴۰۲). به گفته مقامی مرتبط، بودجه لازم برای ساخت تنها ۲ میلیون واحد مسکونی برابر تمام بودجه یک سال ایران است (میرتاج‌الدینی، ۱۴۰۲) و باز توجه به اینکه میانگین سالیانه تولید مسکن حدود ۶۰۰ هزار واحد است؛ به جای نقد شکست برنامه‌ریزی رسمی در بخش مسکن نباید باعث مشکل برای توانمندی‌های تهیدستانانی شد که بدون کمک رسمی، مجموعه‌های مسکونی میلیونی ساخته‌اند؛ با تمام کاستی‌ها و ناخوشایندی کیفیت محیط فقرزده، اما زندگی در آن‌ها در جریان است.

بدین‌سان باید باور داشت فضای غیررسمی‌بودگی در ایران ازسویی تجلی فقر گسترش‌یابنده است و ازسوی دیگر نشانگر اراده خودبنیاد فقرزدایی است. ازاین‌رو، سکونتگاه‌های غیررسمی تنها مسئله نیستند بلکه بخشی از راه حل، هرچند کمینه برای زیستن تهیدستان است و به گفته‌ای، جایگزین وضعیت زندگی تحمل‌ناپذیری هستند که نبود آن‌ها می‌تواند منجر به شورش شود (بیات، ۱۳۹۰؛ پیران، ۱۳۸۷).

مسئله‌مندی غیررسمی‌بودگی فضائی

به سبب ماندگاری و گسترش غیررسمی‌بودگی در جهان جنوب، نقد ریشه‌نگرانه این پدیده بایسته است. اشاره شد که بدین‌منظور، رهیافت مسئله‌مندسازی به کار گرفته می‌شود تا با دوری گرفتن از بینش کنونی به بینش و در نتیجه، کنش بدیل راهگشا در برنامه‌ریزی شهری بتوان دست یافت. در این راستا، مسئله‌مندی ابتدا در سطح عام/انتزاعی^{۴۳} برای جهان جنوب و پس از آن در سطح خاص/انضمامی^{۴۴} برای ایران صورتبندی می‌شود.

مسئله‌مندی عام تولید غیررسمی‌بودگی در جهان جنوب به انگاره چیره‌ای بازمی‌گردد که با گرته‌برداری از توسعه جهان شمال به تولید فضایی نوواره هم‌سنج آن ولی فک‌شده از پیشینه توسعه ملی/بومی روی می‌آورد؛ فضایی که پیوند انداموار با دیگر فضاها برقرار نمی‌کند و برون‌شدگی باشندگان بسیاری را موجب می‌شود. در این دوگانگی فضایی، فقرزائی بسیاری از برون‌شدگان رخ می‌دهد و ایشان را به تولید فضای غیررسمی، آنجا که زیست و فعالیت فرودستی را امکان‌پذیر می‌سازد، می‌کشاند (دیویس، ۱۳۹۸). برای توجیه این وضعیت، قدرت به دیگری‌سازی^{۴۵} تهیدستان و دوگانه‌پنداری قانونی و غیرقانونی می‌پردازد؛ گویی سکونتگاه‌های فقیرنشین گناه فقر است و نه چاره نکردن فقر.

فراستان در قدرت که در سر سودای بهره‌مندی از فرصت‌های جهانی شدن را دارند، با وعده گذار از این بی‌عدالتی پس از دستیابی به رشد،^{۴۶} «منفعت همگان» را استدلال می‌کنند (به خوانش ژاک لاکان: دال تهی^{۴۷}) و چشم خود را بر پیامد انگاره توسعه جهانی می‌بندند که در تجربه زیسته جهان جنوب (به کنار از نمونه‌هایی کمتر از تعداد انگشتان دست) به شکاف اجتماعی اقتصادی بیشتر، گسل فرهنگی، تخریب محیط زیست و به سخن دیگر، «توسعه توسعه نیافتگی» ختم می‌شود. نواحی گسترده‌ای خارج از پیش‌بینی‌ها به شکل سکونتگاه‌های فرودست رشدی شتابان پیدا می‌کنند (Bishop & Phillips, 2013). چرخه انباشت سرمایه جهانی به‌کالایی شدن^{۴۸} فضای شهرانجامیده و در تشویق مدیران شهری به رقابت‌پذیری (که نوعی داروینیسیم اجتماعی است)، حذف تعهدات و هزینه‌های اجتماعی را موجب می‌شود (هاروی، ۱۳۸۷) که تولید فضایی آن، جزایر نیک‌بختی فرادستی^{۴۹} در کنار دریای فرودستی^{۵۰} است.

ازاین‌رو، آنچه در مسئله‌مندی عام غیررسمی‌بودگی وجود دارد (که چتر کلان مسئله‌مندی در ایران است)

سرشت قطبی شدن فضای شهری به سبب شکاف فزاینده اجتماعی در بن‌نگره کنونی توسعه جهان است که انگاره‌های بر پایه آن در جهان جنوب همگی این ویژگی را دارند (پرلمن، ۱۳۹۹). این مسئله‌زایی با توهم‌زدایی از امید به توسعه پایدار این انگاره‌ها و جایگزینی آن‌ها با بن‌نگره توسعه‌ای به گونه دیگر (رهنما، ۱۳۹۹؛ صرافی، ۱۳۹۸)، چاره می‌شود که در بخش پایانی این نوشتار تشریح خواهد شد.

مسئله‌مندی خاص تولید غیررسمی‌بودگی در ایران در بعد اقتصاد سیاسی به چرخه انباشت سرمایه (به‌طور عمده ناشی از رانت درآمدهای نفتی در دست دولت دو رگه اقتدارگرا-نئولیبرال) با فرایند انحصار توسعه فضایی شهر مربوط است (Habibi et al., 2022) که فرصت‌های درآمدی سوداگران آن در بخش املاک (برنر و همکاران، ۱۳۹۶)، برون‌شدگی^{۵۱} تهیدستان از فضای توسعه نوواره و غیررسمی‌بودگی را باعث می‌شود (حلقه نواندیشی ریشه‌نگرانه، ۱۴۰۰). گیرایی این فرایند به سبب درآمد هنگفت و رؤیای جهانی‌شدن، جایی برای نخستینگی پاسخ به نیاز مسکن فرودستان نمی‌گذارد و البته دانش برنامه‌ریزی نیز در خدمت دولت به توجیه هزینه-فایده آن پرداخته و کژاندیشی حرفه، همراه بدانندیشی قدرت می‌شود. گویی هزینه کردن برای شهروندان فقیر، هدررفت منابعی است که می‌تواند صرف زیرساخت‌های جهانی‌پسند برای رقابت‌پذیری شود.

در این چارچوب، برنامه‌های جامعی برای شهرها طرح می‌شود که نمونه خشونت ساختاری/ فضایی منجر به برون‌شدگی تهیدستان است (عرصه، ۱۳۹۶). خشونت ساختاری^{۵۲} عبارتست از: اعمال نیروی غیرمستقیم پا گرفته از ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی در جامعه که موجب سرکوب، بهره‌کشی، محرومیت و ستم نسبت به گروه‌های اجتماعی شود و نتیجه‌اش بی‌عدالتی در پخشایش قدرت سیاسی، منافع اقتصادی و خدمات اجتماعی باشد (مانند تبعیض و تضییق حق از طریق مجوز اشتغال، پروانه ساختمان، ارائه خدمات آموزشی و درمانی) (Galtung, 1969; Galtung, 1990).

هنگامی که در برنامه‌ریزی شهری از طریق وضع قوانین و مقرراتی در حوزه‌بندی^{۵۳}، کاربری زمین^{۵۴}، مقررات ساختمان و حتی محدودیت توسعه شهری، فضایی در توان مالی و شیوه زندگی گروه‌های کم‌درآمد در نظر گرفته نمی‌شود، این خشونت ساختاری در بعد فضایی هویدا می‌شود (Geyer, 2024; Dianati, 2021; Ze-). نمونه گویای آن تعیین کمیته وسعت قطعات زمین (مانند ۲۰۰ مترمربع)، عدم مجوز کار و تولید در خانه و یا الزام به پایان ساختمان برای اتصال زیرساخت‌های شهری در شهرهای ایران است که همگی با شیوه زندگی تهیدستان سنخیت ندارد. (نوری و زبردست، ۱۴۰۰؛ جواهری‌پور، ۱۳۹۴) تولید زیست‌فضای غیررسمی‌بودگی، گریز از این خشونت فضایی است^{۵۵} و به باشندگان به عنوان نمونه، شروع زندگی با قطعات کوچک‌تر زمین، کار کردن در خانه به همراه خانه‌داری و ساختن گام به گام به موازات کسب درآمد و مهارت در حاشیه فضای رسمی شهر را امکان می‌دهد (غمامی و همکاران، ۱۳۸۶). نمی‌توان شیوه زیست و فعالیت شهروندان تهیدست را به نام استاندارد شهرسازی در هم‌سنجی با نوآوری و رؤیای جهانی‌شدن، نادیده گرفت و همچنان ادعای «منفعت همگان» در حرفه داشت؛ این مسئله همدستی دانش با قدرت است.

آنچه در نقد عملکرد بسیاری از حرفه‌مندان برنامه‌ریزی شهری گفته شد به خوانش پی‌یر بوردیو^{۵۶}، عادت‌واره^{۵۷} ایست که برآمده از پنداشت‌های محیط فراگیر و بدون پرسش (دکسا^{۵۸}) است (Vergara-Perucich et al., 2024) و در خدمت برساخت اجتماعی دیگری‌سازی^{۵۹} مورد نظر نظام قدرت قرار می‌گیرد. از همین رو، با درک مسئله‌مندی غیررسمی‌بودگی، حرفه باید دوگانه‌پنداری در دستورکار قدرت را کنار گذاشته (Soliman, 2021) و ریشه‌نگرانه به چاره‌اندیشی بدیل (هاروی، ۱۳۹۶) روی آورد.

سخن کوتاه، مسئله‌مندی غیررسمی‌بودگی را چنین می‌توان صورت‌بندی کرد: انگاره چیره در توسعه جهانی به توسعه‌نیافتگی هم‌زمان و در نتیجه فقرزایی در جهان دامن می‌زند. نظام قدرت در جهان جنوب با

آرزوآندیشی دست‌یابی به توسعه در انگاره جهانی، برون‌شدگان به حاشیه توسعه فضایی نوواره را در بر ساخت اجتماعی، غیررسمی‌بودگی با ویژگی قانون‌شکنی و جرم‌خیزی می‌نامد. شوربختانه، برنامه‌ریزان شهری با سر فرود آوردن در برابر این بر ساخت، طرح‌های شهری را خارج از توان مالی و شیوه زندگی تهیدستان تهیه و پیشنهاد می‌کنند (Rafieian & Kianfar, 2024) که خشونت‌ی ساختاری/ فضایی و پادزیست فقر است (Geyer, 2024). افزون بر این، ضعف جامعه مدنی و نبود توانایی و مسئولیت اجتماعی نزد بخش خصوصی برای پاسخ به نیاز مسکن تهیدستان نیز در این وضعیت سهم دارد. در برابر، تهیدستان شهر با مقاومت مدنی به تولید زیست‌فضای خود، خارج از طرح و برنامه‌های رسمی دست می‌زنند که در ترکیبی از سازش دلسوزانه یا هراس از شورش همراه با عرضه مافیای زمین، توسط قدرت شهری تحمل می‌شود. البته این غیررسمی‌بودگی، فرودستی در جایگاه شهروندی درجه دوم است و با این وجود، کورسوی امیدی برای باشندگان است «از زنده‌مانی به زندگانی».

کژکارکردی سیاست‌های رویارویی با غیررسمی‌بودگی

در پرتو مسئله‌مندی بیان شده، اینک به نقد سیاست‌های متداول در جهان جنوب درمورد چالش غیررسمی‌بودگی در بعد فضایی می‌پردازیم. این سیاست‌ها را می‌توان در شش گروه به شرح زیر دسته‌بندی کرد:

- گروه یکم، نادیدن پدیده غیررسمی‌بودگی: این سیاست به دلیل پنداشت ناپدید شدن سکونتگاه‌های غیررسمی بتدریج با رشد اقتصادی و کاهش فقر (با فرض هم‌سانی با روند جهان شمال و فرضیه کوزنتس^{۶۰}) برگزیده می‌شود و یا به دلیل وادادگی در برابر گستردگی مشکل و ناتوانی‌های بخش دولتی به نوعی با بی‌عملی دنبال می‌شود.

- گروه دوم، ویران کردن سکونتگاه‌های غیررسمی: این سیاست برآمده از فرادستی فرهنگی^{۶۱} قدرت (گرامشی، ۱۳۹۹) و بر ساخت اجتماعی جرم‌انگاری و غیرقانونی بودن است و پیشروی شریف و آرام بسیاری از باشندگان این سکونتگاه‌ها را در طی زمان نمی‌بیند (بیات، ۱۳۹۰). این سیاست در واقع همان پاک کردن صورت مسئله است و به جابه‌جایی جغرافیایی مشکل به مکان‌های دیگر منتهی می‌شود. با روبه‌رو شدن با شورش‌های تهیدستان و اطلاع‌رسانی کارزارهای حقوق بشری، اینک کمتر مورد استفاده دولت‌ها قرار می‌گیرد (Miraftab, 2009).

- گروه سوم، خانه‌سازی دولتی/ عمومی^{۶۲} برای کم‌درآمدها: این سیاست با وعده‌های سیاسی و خیراندیشی بخشی از قدرت برای تأمین مسکن تهیدستان برگزیده می‌شود لیکن با کمبود منابع در برابر تقاضای فزاینده، با محدودیتی مواجه می‌شود که در عمل به واگذاری به اندک گروهی، به طور معمول از پشتیبانان قدرت، نظامی‌ها و کارکنان دولت ختم می‌شود.

- گروه چهارم، خانه‌سازی خودیار^{۶۳}/ آماده‌سازی زمین و خدمات^{۶۴}: این سیاست با پذیرفتن وضعیت موجود و مشکلات «طرحی نو در انداختن»، تلاش می‌کند در کنار توانمندی‌های تهیدستان، برای بهتر ساختن و تأمین خدمات جمعی مورد نیاز راهگشایی شود و با سرانه کمتری از کمک‌های رسمی، تعداد بیشتری از نیازمندان پوشش داده شوند. بهسازی در جای^{۶۵} سکونتگاه‌های غیررسمی و ساختمان‌سازی تدریجی با آغاز از هسته مرکزی و افزوده شدن به آن در طول زمان نیز در همین چارچوب انجام می‌شود تا همراه با افزایش توان مالی خانوار، تأمین سرپناه فراهم شود که گاه با همراهی سازمان‌های نیکوکار غیردولتی و بین‌المللی همراه است.

- گروه پنجم، رسمی‌سازی^{۶۶} سکونتگاه‌های غیررسمی: این سیاست با سفارش اقتصاددانان لیبرال، با

پذیرش اسکان غیررسمی برای به حساب آوردن دارائی مسکن تهیدستان در بخش رسمی اقتصاد (آنچه سرمایه مُرده^{۶۷} نامیده شد) (دسوتو، ۱۳۸۹) دنبال می‌شود و موارد کمی اجرا شده است. در این سیاست، مسکن و ملک باشندگان به رسمیت شناخته شده و قابلیت استفاده برای ضمانت بانکی و دریافت تسهیلات مالی پیدا می‌شود که موکول به توانایی وام‌گیرنده به بازپرداخت در صورت رونق کسب و کارش است. مکمل این سیاست، پذیرفتن و پشتیبانی از اقتصاد غیررسمی و خوداشتغالی‌های کارآفرینانه در آنست که اغلب انجام نمی‌شود و برون شد سودها به نفع اقتصاد رسمی و تداوم چرخه فقر رخ می‌دهد.

- گروه ششم، توانمندسازی^{۶۸} اجتماعات غیررسمی: این سیاست با پذیرش تعهدات اجتماعی بخش عمومی در برابر فقر و تنگدستی شهروندان، به موازات سیاست‌های مهندسی محور گفته شده در گروه چهارم، به سیاست‌های اجتماعی محور برای ارتقای سکونتگاه‌های غیررسمی می‌پردازد. در سال‌های اخیر مجامع و اسناد بین‌المللی بسیاری (مانند دستور کار نوین شهری برنامه اسکان بشر ملل متحد^{۶۹}) برای چاره‌جویی جمعیت عظیم این سکونتگاه‌ها، شعار «شهرها برای همه» و «حق به شهر» راداده‌اند که در روی آوردن به سیاست‌های همساز^{۷۰} و پرهیز از اجبارهای از بالا اثرگذار بوده‌اند. البته پذیرفتن حق به شهر، سیاستی ریشه‌نگر و دگرگون‌کننده نظام قدرت شهری است که برخلاف دیگر سیاست‌ها به علل مسئله‌زایی پرداخته و به نظر در هیچ کجا اجرایی نشده و یا در اجرا، مصادره به مطلوب و مسخ شده است.

در اینجا لازمست افزون بر آنچه برشمرده شد به برخی سیاست‌های شعاری سیاست‌مردان در ایران برای حل «اساسی» اسکان غیررسمی نیز اشاره شود. یکی از این شعارها «مهاجرت معکوس روستاییان» و «آمایش سرزمین» است (ذاکری، ۱۴۰۲) که فریبنده ولی در عمل، رنج و فقر کنونی چاره نمی‌شود و به آینده‌ای موهوم سپرده می‌شود که در آن زمان جمعیت، متناسب با ظرفیت‌های محیطی و تقسیم کار کشوری به شکلی عقلانی پراکنده و مستقر خواهند شد. سال‌ها با چنین نشانی دادن اشتباه، بی‌عملی و ناتوانی مدیریت در مشکل‌گشایی رشد شتابان فقر و بی‌مسکنی توجیه شده است. آنچه این شعار را بیهوده و یاوه می‌کند چشم‌پوشیدن از ظرفیت جامعه روستایی ایران است که از سال ۱۳۶۵ به بعد، کاهش مطلق جمعیت را نشان داده است و مطالعات جامع منابع طبیعی کشور، جمعیت آن را هنوز افزون بر ظرفیت محیطی (در صورت باور به تعادل درآمد و کیفیت زندگی در هم‌سنگی با جامعه شهری) ارزیابی می‌کند و در نتیجه همچنان مهاجرت روستاییان تا سال‌ها ادامه خواهد داشت. توجه شود مهاجرت روستاییان تنها بخشی از باشندگان اسکان غیررسمی است که گفته شد خوانش آن، «رای دادن با پا» به امکان دستیابی به بهگشت زندگی است؛ آنچه با ماندن در روستاهای کنونی فراهم نیست. ضمن اینکه برای آن بخش از باشندگانی که در فقرزایی از شهر به حاشیه رانده شده‌اند و مهاجر نیستند، (علاالدینی و همکاران، ۱۳۹۰) با این شعارها کاری صورت نمی‌گیرد. بازگردیم به بررسی سیاست‌های ششگانه برشمرده شده؛ آشکار است گروه‌های یکم و دوم (نادیدن و ویران کردن) در ارتباط با مسئله‌مندی بیان شده برای غیررسمی‌بودگی قرار ندارند و سیاست‌هایی پادزیست تهیدستان می‌باشند که خارج از گفتار این نوشتار است. گروه سوم (خانه‌سازی دولتی) نیز در عمل چاره مقیاس میلیونی غیررسمی‌بودگی نبوده است و مورد بررسی ما قرار نمی‌گیرد. گروه چهارم (خانه‌سازی خودیار و آماده‌سازی) به سبب پذیرفتن واقعیت موجود، گامی به جلو است؛ لیکن با تمرکز بر اقدامات کالبدی و چاره نکردن ابعاد غیرکالبدی فقر در این اجتماعات، جامعیت نداشته و امکان دارد گونه‌ای اعیان‌سازی به دلیل گران شدن خانه‌ها و بیرون رانده شدن تهیدستان در آن شکل گیرد.

گروه پنجم (رسمی سازی)، زمین و مسکن تهیدستان را از نقش معیشتی و ارزش مصرفی^{۷۱} که دارند به نقش بورس بازی و ارزش مبادله‌ای^{۷۲} در نظام سرمایه‌داری می‌کشاند؛ در نتیجه تهیدست‌ترین گروه‌های دارای مسکنی ناچیز و یا اجاره‌نشین که در سکونتگاه‌های غیررسمی امکانی برای زندگی یافته‌اند را آواره و بی‌خانمان می‌کند. رسمی شدن، تهیدستان را از آزادی معیشتی‌شان (هرچند بینوایانه) دور کرده و دستخوش بهره‌کشی «بازار آزاد» و ورود به چرخه فقر دیگری می‌کند. به جای رسمی کردن در این سیاست باید به رسمیت شناختن غیررسمی بودگی جایگزین شود که در گروه ششم اینچنین شده است.

گروه ششم سیاست‌ها (توانمندسازی)، بیش از دیگر سیاست‌ها به ابعاد غیرکالبدی اجتماعات فقرزده توجه داشته و مکمل بهسازی در جا در گروه چهارم است؛ اما در عمل با نبود دربرگیرندگی اجتماعی و ناکافی بودن ظرفیت‌سازی‌های در سطوح مدیریتی و اجتماعات محلی و نیز نبود نهادسازی‌های بدیل، در مقیاس گسترده کامیاب و اثرگذار نبوده است. بایسته موفقیت این سیاست پذیرفتن و ساری و جاری کردن حق به شهر است که گفته شد رهیافتی ریشه‌نگر بیش از توان و اراده مدیریت شهری در جهان جنوب و به‌طور مشخص ایران است. در این ارتباط هرگز قانونی در سطح کشوری برای بازنگری و اصلاح مدیریت شهری در راستای امکان عملی شدن سیاست توانمندسازی اجتماعات فقرزده وضع نشده است (گنجی، ۱۴۰۱).

توجه شود حق به شهر (به تشریح هانری لوفور^{۷۳}) بسیار فراتر از حق دسترسی دادگرا نه به مواهب شهری است و در پایه، حق تولید فضا به وسیله کنارماندگان و طردشدگان در شهر می‌باشد و به گونه‌ای به حکمروایی شایسته شهری^{۷۴} نیاز دارد تا مشارکت کارآمد تهیدستان، هم‌تراز دیگر شهروندان را به بار آورد. انتظار اینست که در فرگشت این حق، قدرتمندسازی^{۷۵} تهیدستان برای شالوده‌شکنی مدیریت ناروای کنونی رخت عمل پوشد. در نقد تمامی سیاست‌های رویارویی کنونی (که در زمان‌های گوناگون در ایران مورد نظر بوده‌اند) باید گفت که هیچ‌یک به عوامل بنیادی مسئله‌ساز (که در بخش مسئله‌مندی غیررسمی بودگی آورده شد) نمی‌پردازند و بیشترین هدف همانا تحمل‌پذیر کردن فقیرنشینی و اصلاحات کمینه از بالا برای استمرار و نگاهداشت نظام قدرت است. هرچند در شعار اهداف دیگری گفته شود در اجرا به مجموعه‌ای از اقدامات مهندسی، کالبدی و سخت‌افزاری بدون اقدامات اقتصادی-اجتماعی و نرم‌افزاری منتهی می‌شوند؛ در نتیجه، مسئله و مسئله‌زایی ادامه یافته است. هیچ‌یک از سیاست‌ها در پی تغییر انگاره چیره‌شده توسعه رایج نیستند. هیچ‌یک به روشنگری فرهنگی و زدودن برساخت سیاسی برای دوگانه‌پنداری و غیررسمی‌بودگی نمی‌پردازند. هیچ‌یک برنامه‌ریزان شهری دگرساز و خارج از چنبره قدرت را همراه نمی‌دانند. هیچ‌یک جلوگیری از خشونت فضایی برضد کم‌درآمدها (که به خوانش هانا آرنه^{۷۶}، «ابتذال شر»^{۷۷} است) نیستند. و سرانجام، هیچ‌یک فروتنانه، به توانایی تولید زیست‌فضای تهیدستان اقرار نمی‌کنند. با این نقد از سیاست‌ها، چگونه ممکن است بدون دگرگونی وضع کنونی و شالوده‌شکنی انگاره توسعه حاکم، مسئله را در ایران حل کرد؟!

پایان‌گفت: به سوی فرارویش فضای غیررسمی بودگی

در مسئله‌مندی غیررسمی بودگی در سطح عام و کلان به انگاره توسعه چیره در جهان اشاره شد که سبب‌ساز فقر و قطبی شدن فضای شهرها و نیز نابودکننده محیط‌زیست است. این‌گونه توسعه نه می‌تواند «برای همه» باشد (بایستگی عدالت درون‌نسلی برای پایداری) و نه «برای همیشه» (بایستگی عدالت بین‌نسلی برای پایداری). اگر بخواهد برای همه باشد، یعنی یک میلیارد باشندگان سکونتگاه‌های فرودست سرانه مصرف آب، انرژی، زمین و مصالح خود را باید بیش از ۵ برابر کنند (یعنی معادل ۵ میلیارد نفر) تا برابر میانگین شهروندان «توسعه‌یافته» شوند! آیار دپای اکولوژیک^{۷۸} کنونی کره زمین با جمعیت ۸ میلیاردی (Department of Economic

(Global Footprint Network, 2024) که ۱.۷۵ برابر ظرفیت اکولوژیک زمین است (Social Affairs, 2022) می‌تواند باری معادل ۱۲ میلیارد نفر (نیاز به ۲.۶ برابر کره زمین!) را تاب بیاورد؟ این انگاره برای همیشه نیز نمی‌تواند باشد زیرا به دلیل رشد محور بودن با کاهش سرمایه طبیعی (برای منابع درون داد^۶) و کاهش ظرفیت محیطی (برای پالایش برون داد^۸) مواجه است. از این رو، دگرگون سازی انگاره توسعه چیره، بایسته دربرگیرندگی فرودستان و در نتیجه، پایداری شهرها است.

برای ایران نیز با شدت بیشتر این استدلال را می‌توان کرد؛ چنانچه قرار باشد ۲۵ ملیون نفر باشندگان سکونتگاه‌های فرودست با انگاره توسعه به اصطلاح «شمال شهری» ایران از توسعه نیافتگی برون آیند باید سرانه مصرف آب، انرژی، زمین و مصالح آن‌ها بیش از ۵ برابر شود (یعنی معادل ۱۲۵ ملیون نفر). هم‌اینک ردپای اولوژیک جمعیت ۸۵ ملیون نفری ایران حدود ۳ برابر ظرفیت اکولوژیک کشور است (Global Footprint Network, 2022) که با افزودن بار به اصطلاح توسعه یافتگی فرودستان، معادل ۱۸۵ ملیون نفر خواهد شد (نیاز به ۴.۴ برابر وسعت ایران!) و این به معنای شتاب بسیار در مسیر ناپایداری کنونی است. برای رفع محرومیت غیررسمی بودگی و در نتیجه پایداری شهری، چاره‌ای جز روی آوردن به انگاره توسعه‌ای به گونه دیگر نیست (بیات، ۱۳۹۸).

حال گزاره پایانی این نوشتار چنین است: فضای غیررسمی بودگی قابلیت فرارویش به انگاره توسعه‌ای به گونه دیگر در راستای پایداری شهری را دارد و گره‌گشایی مسئله‌مندی آن در این گذار رخ می‌دهد (صرافی و ایراندوست، ۱۴۰۳). تعدادی از پژوهش‌های جدید به برخی ابعاد این قابلیت‌ها رسیده‌اند (Pikner et al., 2020; Farajallah, 2017; Guibrunet & Broto, 2015; Paller, 2021; Benson et al., 2014; Raimo et al., 2021) دلایل این قابلیت به شرح زیر است؛ لیکن باید تأکید شود پیش از هر اقدام لازم است از ایمنی محل اسکان غیررسمی اطمینان حاصل شده باشد:

الف- تولید زیست‌فضای غیررسمی در واقع بروز حق به شهر تهیدستان برون شده از انگاره توسعه کنونی شهر است و بدین سبب آمادگی پذیرش انگاره‌ای نوین با مشارکت کنشگرانه در حکمروایی شایسته (برای پابرجایی حق به شهرشان) را دارند.

ب- شیوه زندگی صرفه جویانه مصارف آب، انرژی، زمین، مصالح و نیز اتکا به اقتصاد محلی و بازیافت پسماند، سازگاری بالایی با انگاره توسعه‌ای به گونه دیگر دارد که در آن، کاهش ردپای اکولوژیک و بوم‌آوردی برای پایداری بایسته است.

پ- سرمایه اجتماعی در اجتماعات غیررسمی زیاد و اشتراک در منابع^۹ متداول است که موجب هم‌افزایی و همراهی جمعی در پذیرفتن وضعیت جدیدی است که امیدبخش برون رفت از فقر و حاشیه‌گی است. برای پایداری، اشتراک همگانی منابع در شرایط کاهش سرانه‌ها، بایسته است.

با این گزاره، به رسمیت شناختن غیررسمی بودگی (نه رسمی کردن آن به شکل توسعه ناپایدار کنونی شهرها) و توانمندسازی اجتماعات غیررسمی با کارگزاری مدیران و برنامه‌ریزان شهری برای برقراری حکمروایی بینش‌ورانه^۸، سبب‌ساز رهگشائی توسعه فضایی پایدار شهرهای ایران خواهند شد که به نظر می‌رسد در بزنگاه زود هنگام ناپایداری قرار دارند.

پی‌نوشت‌ها

1. Global South
2. Global North
3. Socio-economic Duality
4. Spatial Polarization
5. Informal Urbanization
6. Informal Settlement
7. Slum
8. Sustainable Development Goals
9. Inclusive, Safe, Resilient and Sustainable
10. Informal Settlements
11. Informality
12. Problematization
13. Radical
14. Context
15. Paradigm
16. Problematic
17. Urban Sustainability
18. The Informal
19. Abstract
20. Concrete
21. Paradoxical Duality
22. False Consciousness
23. Public Interest
24. Social Construct
25. Modernism
26. Modernization
27. Exogenous Development
28. Pseudo-urbanization
29. Duality & Polarization
30. Organic
31. ICT
32. Globalization
33. Borderless & Weightless Economy
34. Global Cities
35. Precarious Work

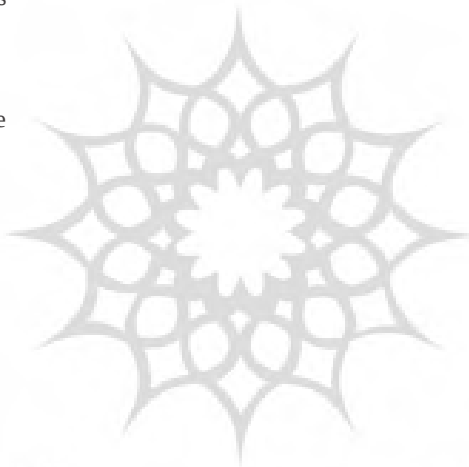
۳۶. Zeitgeist. واژه آلمانی به معنی باورها و گرایش‌های چیره در یک دوره تاریخی:

37. Informal Sector/Economy
38. Irregular/Unplanned/Spontaneous
39. Raison d'être
40. Subcontracting
41. Right to the City
42. Poverty Cycle
43. General/Abstract
44. Specific/Concrete
45. Otherness

۴۶. Growth first, Distribute next: مشابه شعار

47. Jacques Lacan: Empty Signifier
48. Commodification
49. Superiority
50. Inferiority
51. Expulsion

52. Structural Violence
53. Zoning
54. Land Use
55. Spatial Violence
56. Pierre Bourdieu
57. Habitus
58. Doxa
59. Otherness
60. Kuznets
61. Cultural Hegemony
62. State/Public Housing
63. Self-help Housing
64. Site & Service
65. In-Situ Upgrading
66. Formalization
67. Dead Capital
68. Enabling Policy
69. UN Habitat- New Urban Agenda
70. Accommodation Policies
71. Use Value
72. Exchange Value
73. Henri Lefebvre
74. Urban Good Governance
75. Empowerment
76. Hannah Arendt
77. Banality of Evil
78. Ecological Footprint
79. Input
80. Output
81. Commons
82. Visionary



منابع

- اسپواک، گایتری چاکراورتی (۱۳۹۷). آیا فرودست می تواند سخن بگوید؟ (مترجم: ایوب کریمی). تهران: انتشارات فلات.
- استندینگ، گای (۱۴۰۲). بی ثبات کاران: طبقه جدید خطرناک در: جوانان و سیاست، بحث‌هایی پیرامون شیوه‌ها و چشم‌اندازهای سیاست‌ورزی و کنشگری جوانان. بیات، و نوع دوست، شهرزاد آصف. در سایت آسو، دسترسی ۱۵ آبان ۱۴۰۳. <https://daneshkadeh.org/category/youth-politics>
- ایراندوست، کیومرث و صراف، مظفر (۱۳۸۶). یأس و امید در سکونتگاه‌های غیررسمی، نمونه موردی کرمانشاه. رفاه اجتماعی، ۷(۲۶)، ۲۰۱-۲۲۲.
- بر، ویوین (۱۳۹۹). برساخت‌گرایی اجتماعی (مترجم: اشکان صالحی). تهران: نشر نی
- برنر، نیل، مارکوزه، پیتر، و مایر، مارگیت (۱۳۹۶). شهرها برای مردم، نه برای سوداگری: نظریه شهری انتقادی و حق به شهر (مترجم: محمود عبدالله زاده). تهران: نشر دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
- بیات، آصف (۱۳۹۰). زندگی همچون سیاست (مترجم: فاطمه صادقی). نسخه اینترنتی.
- بیات، آصف (۱۳۹۸). باید به بدیل بیاندیشیم و آن را ممکن کنیم. در گفت‌وگو با سایت میدان. دسترسی ۱۵ آبان ۱۴۰۳ <https://meidaan.com/archive/66529>
- پرلمن، جانیس (۱۳۹۹). فاولا، چهار دهه زندگی بیمناک در سکونتگاه‌های غیررسمی ریودوژانیرو (مترجمان: کیومرث ایراندوست و گلابول مکرونی). سنج: انتشارات دانشگاه کردستان.
- پیران، پرویز (۱۳۸۷). از اسکان غیررسمی تا اسکان نایابی در جست‌وجوی راه حل. هفت شهر، ۲۳ و ۲۴، ۲۹-۱۴.

- جواهری پور، مهرداد (۱۳۹۴). محله‌های فرودست شهری و حق به شهر، موردپژوهی محله خاک سفید تهران. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۵، ۱۶۳-۱۸۲.
- حلقه نواندیشی ریشه‌نگرانه (۱۴۰۰). برآیند هم‌اندیشی نشست‌های بازخوانی ریشه‌نگرانه اسکان رسمی/غیررسمی. در سایت قطب علمی بازآفرینی و بهسازی شهری دانشگاه کردستان، دسترسی ۲۰ آبان ۱۴۰۳ - <https://ceuru.uok.ac.ir/storage/events-and-activities/achievement>
- دانشپور، سیدعبدالهادی، خیرالدین، رضا، صراف، مظفر، و آشنایی، تکتم (۱۴۰۱). بایستگی بازاندیشی ریشه‌نگرانه در غیررسمی‌بودگی شهری با نگاهی نقادانه به اسناد سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی شهری ایران. نامه معماری و شهرسازی، ۱۵ (۳۷)، ۲۶-۵.
- دسوتو، هرناندو (۱۳۸۹). راه دیگر (مترجم: جعفر خیرخواهان). تهران: نشر نی.
- دیویس، مایک (۱۳۹۸). سیاره‌زاغه‌ها (مترجم: امیر خراسانی). تهران: نشر مانیا فرهنگ.
- ذاکری، زهرا (۱۴۰۲). بررسی و نقد سند ملی آمایش سرزمین و پیشنهاد برای برنامه هفتم توسعه. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۹۱۹۰.
- رنایی، محسن (۱۳۸۴). ساختار اشتغال در بخش غیررسمی کشور. مجله اقتصادی، ۵، ۲۱-۳۹.
- رهنما، سعید (۱۴۰۱). گذر از سرمایه‌داری (مترجم: پرویز صداقت). تهران: نشر آگاه.
- رهنما، مجید (۱۳۹۹). پساتوسعه (مترجم: رویا منجم). تهران: انتشارات تمدن علمی.
- زندیه، سمیه و صراف، مظفر (۱۴۰۲). تحلیل انگاره منفعت عمومی در برنامه‌ریزی با روش ردیابی نقشه‌نگارانه: بررسی موردی یک برنامه تغییر کاربری زمین در چمستان. نامه معماری و شهرسازی، ۱۵ (۳۹)، ۲۹-۵۳.
- ژلنیتس، آندری (۱۳۹۶). میشل فوکو: فضا، دانش، قدرت (مترجم: آیدین ترکمه). فضا و دیالکتیک، دسترسی ۱۵ آبان ۱۴۰۳ <http://dialecticalspace.com/michel-foucault-space-knowledge-power>
- صراف، مظفر (۱۳۸۷). ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی کشور در پرتو حکمروایی خوب شهری. هفت شهر، ۳۵، ۲-۱۱.
- صراف، مظفر (۱۳۹۲). توسعه به مثابه حکمروایی شایسته. در: مبانی توسعه پایدار در ایران (جواد اطاعت، فرهاد دژپسند، علی دینی ترکمانی، محمود سریع القلم، مظفر صراف، وحید محمودی، بهروز هادی زنوز) (۵۰-۸۸). تهران: نشر علم.
- صراف، مظفر (۱۳۹۸). بازکاوی توسعه‌ای از نوع دیگر برای پایداری ایران. برنامه‌ریزی و آمایش فضا، ۲۳، ۱۷-۲۹.
- صراف، مظفر و کیومرث ایراندوست (۱۴۰۳). به‌سوی نظریه‌پردازی ریشه‌نگرانه غیررسمی‌بودگی و تولید فضای توسعه‌ای به گونه‌ای دیگر. در کتاب: غیررسمی‌بودگی شهری، نگاهی دیگر. سندج: انتشارات دانشگاه کردستان.
- مهندسین مشاور عرصه (۱۳۹۶). طرح ساماندهی سکونتگاه‌های غیررسمی تهران با دیدگاه شهرنگر (گزارش مرحله سوم). تهران: شرکت بازآفرینی شهری ایران.
- علاءالدینی، پویا، دایشمن، اووه و شهریاری، هلن (۱۳۹۰). سکونتگاه‌های غیررسمی در ایران: ارزیابی وضعیت بندرعباس، کرمانشاه و زاهدان. پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران، ۱۱ (۱)، ۳۵-۵۹.
- غمامی، مجید، اطهاری، کمال و خاتم، اعظم (۱۳۸۶). مدیریت یکپارچه و حل مسئله اسکان غیررسمی، شرایط تحقق طرح مجموعه شهری. تهران: نشر شهیدی.
- فاطمی عقدا، محمود (۱۴۰۲). کشور با کمبود ۶ میلیون واحد مسکونی روبروست. در: سایت تجارت نیوز، دسترسی ۱۰ آبان ۱۴۰۳ <https://tejaratnews.com>
- فوکو، میشل (۱۳۹۹). دانش و قدرت (مترجم: محمد ضیمران). تهران: نشر هرمس.
- کاستلو، وینسنت فرانسیس (۱۳۸۳). شهرنشینی در خاورمیانه (مترجم: عبدالعلی رضایی و پرویز پیران) (چاپ سوم). تهران: نشر نی.
- گرامشی، آنتونیو (۱۳۹۹). برگزیده نوشته‌های فرهنگی (مترجمان: احمد شایگان، محمود متحد، حسن مرتضوی، اکبر معصوم بیگی و فیروزه مهاجر). تهران: انتشارات آگاه.
- گنجی، مرتضی (۱۴۰۱). حاشیه‌نشینی (اسکان غیررسمی) در ایران، رویکردها، سیاست‌ها و اقدامات. تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۸۵۴۵.
- لوفور، هانری (۱۳۹۱). تولید فضا (مترجم: محمود عبدالله‌زاده). تهران: مرکز مطالعات و برنامه‌ریزی شهر تهران.
- میدری، احمد (۱۴۰۳). وزیر کار: درحال حاضر ۳۰ درصد جمعیت زیر خط فقر هستند. در: سایت روزنامه دنیای اقتصاد،

- دسترسی ۱۰ مهر ۱۴۰۳ <https://donya-e-eqtesad.com>
- میرتاج‌الدینی، سید محمد رضا (۱۴۰۲). رئیس فراکسیون راهبردی مجلس: ۵ میلیون واحد مسکونی نیاز کشور است. در: سایت گروه سرمایه‌گذاری مسکن به نقل از خبرگزاری مهر در ۲۳ مهرماه، دسترسی ۲۰ آبان ۱۴۰۳
 - نجاتی، ناصر، صراف، مظفر و نجف‌زاده، رضا (۱۴۰۰). تبیین نقش قدرت-دانش در برنامه‌ریزی فضایی با تأکید بر قدرت انضباطی و زیست-قدرت. دانش شهرسازی، ۵(۲)، ۱۳۳-۱۵۱.
 - نوری، محمدجواد و زبردست، اسفندیار (۱۴۰۰). غیررسمی بودگی شهری و ابعاد تبیین‌کننده آن. نامه معماری و شهرسازی، ۱۴(۳۳)، ۲۹-۵.
 - هاروی دیوید (۱۳۹۳). از حق به شهر تا شهرهای شورشی (مترجمان: خسرو کلانتری و پرویز صداقت). تهران: انتشارات آگاه.
 - هاروی دیوید (۱۳۹۶). فضاهای امید (مترجم: علیرضا جبار). تهران: نشر نقد افکار
 - هاروی، دیوید (۱۳۸۷). شهری شدن سرمایه (مترجم: عارف اقوامی مقدم). تهران: انتشارات اختران.
 - AlSayyad, N. (2004). Urban Informality as a "New" Way of Life. in: Ananya Roy and Nezar Alsayyad Eds. *Urban Informality: Transnational Perspectives from the Middle East, Latin America and South Asia*. Lexington Books. 7-30.
 - Alvesson, M., & Sandberg, J. (2013). Problematization as a Methodology for Generating Research Questions (Ch.5), in: *Constructing Research Questions: Doing Interesting Research* (47-70). Sage Publications.
 - Anguelov, D. (2020). Urban Informality. in: Leitner, H.; Peck, J., and Sheppard, E. (eds.), *Urban Studies Inside-Out: Theory, Method, Practice* (317-319). Sage: Los Angeles.
 - Baffoe, G. (2023). Neoliberal urban development and the polarization of urban governance. *Cities*, 143, 1-5.
 - Banks, N., Lombard, M., & Mitlin, D. (2020). Urban informality as a site of critical analysis. *The journal of development studies*, 56(2), 223-238.
 - Benson, E., Best, S., del Pozo-Vergnes, E., Garside, B., Mohammed, E. Y., Panhuysen, S., ... & Wilson, E. (2014). Informal and Green? The forgotten voice in the transition to a green economy. *IIED*. London.
 - Bishop, R., & Phillips, J. W. (2013). The urban problematic. *Theory, Culture & Society*, 30(7-8), 221-241.
 - Brenner, N., & Theodore, N. (2005). Neoliberalism and the urban condition. *City*, 9(1), 101-107.
 - Burte, H., & Kamath, L. (2023). The structural violence of spatial transformation: urban development and the more-than-neoliberal state in the Global South. *City*, 27(3-4), 448-463.
 - Cities Alliance (2021). *Understanding Informality - Towards a Multi-dimensional Analysis of the Concept*. Cities Alliance, Brussels.
 - Department of Economic and Social Affairs (2022). *World Population Prospects 2022*. United Nations Publications.
 - Dianati, V. (2021). The Anti-sprawl Policies in Tehran and the Creation of Spatial Injustice: A View From the South. *disP-The Planning Review*, 57(3), 83-99.
 - Dovey, K., & King, R. (2011). Forms of informality: Morphology and visibility of informal settlements. *Built environment*, 37(1), 11-29.
 - Escobar, A. (2011). *Encountering development: The making and unmaking of the Third World* (Vol. 1). Princeton University Press.
 - Farajallah, N., Badran, A., El Baba, J., Choueiri, Y., El Hajj, R., Fawaz, M., & Chalak, A. (2017). *The Role of Informal Systems in Urban Sustainability and Resilience; a Review*. Issam Fares Institute for Public Policy and International Affairs.
 - Friedmann, J. (2003). *Cities in a global age: critical areas of theory and research*. USA:

University of Michigan, East Lansing.

- Galtung, J. (1969). Violence, peace, and peace research. *Journal of peace research*, 6(3), 167-191.
- Galtung, J. (1990). Cultural violence. *Journal of peace research*, 27(3), 291-305.
- Geyer, H. (2024). Zoning and the 'Right' City: The Challenges of Zoning in the Global South and Possibilities for Unzoning Informality. *International Journal of Urban and Regional Research*, 48(5), 877-893.
- Global Footprint Network (2022). Iran National Biocapacity Accounts. <https://data.footprintnetwork.org/#/> Accessed 2024-11-08
- Global Footprint Network (2024). World Trend. <https://data.footprintnetwork.org/?ga=2.109460102.245214642.1732590307-1397572217.1732590307#/countryTrends?cn=5001&type=earth> Accessed 2024-11-08
- Goel, R. K., & Rehman, F. (2020). What induces firms to subcontract to the informal sector? Evidence from a developing country. *Applied Economics Letters*, 27(3), 178-187.
- Guibrune, L., & Broto, V. C. (2015). The sustainability of the informal city: An urban metabolism approach. In *Proceedings of the 11th International Conference of the European Society for Ecological Economics (ESEE)* (30, 1-24).
- Habibi, K., Arefi, M., Doostvandi, M., & Ashouri, K. (2022). Reproduction of urban informality in Iran: Its key factors, tools and challenges. *Journal of Urban Management*, 11(3), 381-391.
- Hadipreyitno, I.I. (2013). Poverty. In: *Realizing the Right to Development*, OHCHR. United Nations Publication.
- Hamnett, C. (1994). Social polarisation in global cities: theory and evidence. *Urban studies*, 31(3), 401-424.
- International Labour Organization (2018). *Women and men in the informal economy: A statistical picture* (third edition). International Labour Office – Geneva.
- Kempen, R. (2007). Divided cities in the 21st century: challenging the importance of globalisation. *Journal of Housing and the Built Environment*, 22, 13-31.
- Lang, T., Henn, S., Sgibnev, W., & Ehrlich, K. (2015). *Understanding Geographies of Polarization and Peripheralization*. Springer Publications.
- Leys, C. (1996). *The Rise and Fall of Development Theory*. Indiana University Press.
- Marcuse, P. (1993). What's so new about divided cities? *International journal of urban and regional research*, 17, 355-355.
- Miraftab, F. (2009). Insurgent planning: Situating radical planning in the global south. *Planning theory*, 8(1), 32-50.
- Moulaert, F., Rodriguez, A., & Swyngedouw, E. (2005). *The Globalized City- Economic Restructuring and Social Polarization in European Cities*. Oxford University Press.
- OXFAM. (2015). *Wealth: Having it all and wanting more*. Issu Paper. Oxfam International.
- Paller, J. W. (2021). Everyday politics and sustainable urban development in the Global South. *Area Development and Policy*, 6(3), 319-336.
- Peck, J., Theodore, N., & Brenner, N. (2009). Neoliberal urbanism: Models, moments, mutations. *SAIS Review of International Affairs*, 29(1), 49-66.
- Pikner, T., Willman, K., & Jokinen, A. (2020). Urban commoning as a vehicle between government institutions and informality: Collective gardening practices in Tampere and Narva. *International Journal of Urban and Regional Research*, 44(4), 711-729.
- Rafieian, M., & Kianfar, A. (2024). Guiding public policy in gray spaces: A meta-study on land ownership conflicts (1987-2022). *Cities*, 147, 104803.

- Raimo, A.D., Lehmann, S., & Melis, A. (2021). *Informality through Sustainability*. Routledge.
- Randolph, G. F., & Storper, M. (2023). Is urbanisation in the Global South fundamentally different? Comparative global urban analysis for the 21st century. *Urban Studies*, 60(1), 3-25.
- Reckford, J., & Aki-Sawyer, Y. (2023). Informal settlements are growing everywhere- Here's what we do. World Economic Forum. Retrieved from [Informal settlements are growing everywhere — here's what we do | World Economic Forum](#). Accessed 2024-11-08.
- Rosaldo, M. (2021). Problematizing the “informal sector”: 50 years of critique, clarification, qualification, and more critique. *Sociology Compass*, 15(9), e12914.
- Roy, A. (2005). Urban informality: Toward an epistemology of planning. *Journal of the american planning association*, 71(2), 147-158.
- Roy, A., & AlSayyad, N. (Eds.). (2004). *Urban informality: Transnational perspectives from the middle East, latin America, and south Asia*. Lexington Books.
- Roy, A. (2012). Urban Informality: The Production of Space and Practice of Planning. In *The Oxford Handbook of Urban Planning*, Edited by Randall Crane & Rachel Weber. Oxford University Press.
- Shatkin, G. (2007). Global cities of the South: Emerging perspectives on growth and inequality. *Cities*, 24(1), 1-15.
- Sheppard, E., Sparks, T., & Leitner, H. (2020). World class aspirations, urban informality, and poverty politics: A North-South comparison. *Antipode*, 52(2), 393-407.
- Smith, J. (2016). *Imperialism in the Twenty-First Century- Globalization, Super-Exploitation and Capitalism's Final Crisis*. NYU Press, Monthly Review Press.
- Soliman, A. (2021). *Urban informality: Experiences and urban sustainability transitions in Middle East cities*. Springer Nature.
- Taylor, P., & Derudder, B. (2003). *World city network: a global urban analysis*. Routledge.
- UN Department of Economic & Social Affairs (2020). *Inequality in a Rapid Changing World*. UN Publications.
- UN Department of Economic & Social Affairs (2021). *SDG Indicator- Metadata Goal 11*. <https://unstats.un.org/sdgs/metadata/> Accessed 2024/10/29.
- UN General Assembly (2015). Resolution adopted by the General Assembly on 25 September 2015. UN Publications. P.14
- UN Habitat (2010/2011). *Bridging the Urban Divide- World Cities Report*. United Nations Human Settlements Program.
- UN Habitat (2022b) *Global Action Plan- Accelerating for Transforming Informal Settlements and Slum by 2030*. United Nations Human Settlements Program.
- UN Habitat. (2022a). *Envisaging the Future of Cities- World Cities Report*. United Nations Human Settlements Program.
- Vergara-Perucich, F., & Arias-Loyola, M. (2024). Commodification in Urban Planning: Exploring the Habitus of Practitioners in a Neoliberal Context. *Social Sciences*, 13(1), 22.
- World Bank. (2022). *Iran Economic Monitor, Managing Economic Uncertainties*. World Bank.
- World Economic Forum. (2024). *What is the informal economy and how many people work in it?* Center for the New Economy and Society.
- Yang, L. (2017). *The relationship between poverty and inequality: Concepts and measurement*. Paper for Center for Analysis of Social Exclusion, LSE.
- Yiftachel, O. (2009). Theoretical notes on gray cities': The coming of urban apartheid? *Planning theory*, 8(1), 88-100.

- Zebardast, E. (2006). Marginalization of the urban poor and the expansion of the spontaneous settlements on the Tehran metropolitan fringe. *Cities*, 23(6), 439-454.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to Journal of Architecture and Urban Planning. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License

(<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

صرافى، مظفر (۱۴۰۴). خشونت ساختارى در توليد فضاى پادزيست تهيدستان. فصلنامه علمى نامه معماری و شهرسازی، ۱۷(۴۶)، ۴-۲۳.

DOI: 10.30480/aup.2025.5597.2203

URL: https://aup.journal.art.ac.ir/article_1399.html

